

پیشگفتار

درباره شاهنامه

شاهنامه، از شکوهمندترین یادگارهای نبوغ بشری و یکی از چند اثر «کوه‌آسای» ادبیات ایران و جهان است^(۱) که در آن ارزشهای جاودانه بشری همچون: خردورزی، دادگری، میهن‌دوستی، آزادگی، یزدان‌پرستی، وفای به پیمان، پایداری در برابر دشمنان، فداکاری، گذشت و ستایش مردانگی و... در زیباترین حد سخندانی و در کمال پختگی و سختگی، گزارش شده است.

این کتاب آینه تمام‌نمای فرهنگ، تمدن، اخلاق و آداب و سنن اقوام ایرانی از کهن‌ترین زمانها تا روزگار شاعر است که سرگذشت دلاورانۀ آنان را از سپیده‌دم تاریخ تا غروب غمگینانۀ غرور و عظمت مردان و زنان شکوهمندش باز می‌گوید. اثری که در آن شکستها، پیروزیها، آرزوها، امیدها، فداکاریها و خونِ دل‌خوردنهای مردمانی را می‌بینیم که می‌خواسته‌اند «خود» بمانند؛ هویت ویژه خود را داشته باشند و نمونه‌ای از والاترین مظاهر انسانی باقی بمانند چون خود را و مدار روانهای درگذشتگانی می‌دانسته‌اند که در هر بهار، در آفتاب سوخته‌شن‌زارهای بلوچستان، در آتش فروزان دل میهن‌پرستان آذربایجان در دره‌ها و مرغزارهای کردستان، در انبوه بیشه‌زاران دیلمان، در بلوطهای دامنه‌های زاگرس، در شکوه همیشگی سربلند دماوند، در ساحل خلیج فارس، در نقشهای گنبدهای فیروزه‌ای سپاهان، در کوچ مردان و زنان لرستان، به دیدارشان می‌آیند. مردمی که هنوز در سرخگل سرزمینشان، در سوگ سیاوشان بخارا، در نگرانی و دلواپسیهای سیندختهای ایران و تاجیکستان، در ناله‌های رودابه‌های در بند کابل، در عزای اسفندیارها و

سهراب‌هایشان؛ سنبل لباس ماتم می‌پوشد و دل لاله همیشه داغدار است. شاهنامه سند، هویت و شناسنامه ملی این مردمان است.

در جهان امروز شاهنامه‌شناسی دانشی است با ابعاد گسترده و پردامنه که نیازمند پژوهندگانی سترگ و آشنا به دانش‌های قوم‌شناسی، اسطوره‌شناسی، زبان‌شناسی، تاریخ‌دانی و غیره است. پژوهندگانی کاونده در ریشه‌های نژادی، زبانی، فرهنگی، آیینی و باورهای دینی اقوام کهن ایرانی مانند: کوشانیها، سکاها، عیلامیها، مادها، هخامنشیان، پارتها، ساسانیان^(۲) که از میان این همه مهمتر، مطالعه تاریخ و اسطوره‌های سکایی است؛ چراکه نسبت جهان‌پهلوان جاودانه حماسه ملی به این قوم می‌رسد.^(۳) افزون بر قوم‌شناسی؛ شناخت اساطیر ایران از یک سو^(۴) و شناخت و مطالعه اساطیر مشترک ایران و هند بویژه در «ریگ ودا» و اسطوره‌های مشترک ایران و چین^(۵) از سویی دیگر لازم است. دشواری کار وقتی صدچندان می‌شود که بدانیم، اساطیر ایرانی، تنها به صورت نوشتاری به دست ما رسیده است و ما شکل تندیس‌پردازانه آنها را همچون هندیان و یونانیان در اختیار نداریم^(۶) نکته مهمتر اینکه پس از شناخت درست اساطیر و زدودن غبار سده‌ها و هزاره‌ها از آن، چگونگی تکوین و تبدیل آنها و نحوه راهیابی این اسطوره‌ها به حماسه ملی، کاری است کارستان. از میان اسطوره‌های ایرانی بویژه اسطوره پررمز و راز «میترا» از اهمیتی دوچندان برخوردار است.^(۷)

دو اسطوره دیگر یعنی «زروان» خدای زمان^(۸) و نیز، «آناهیتا» ایزدبانوی آبها، پررنگترین اساطیر تنیده در دل حماسه ملی هستند. از جمله ابزارهای ژرف‌شناختی بن‌مایه‌ها و ساختار درونی شاهنامه، مطالعه دقیق اوستا^(۹) و بویژه آثار بازمانده از ادبیات پهلوی است.^(۱۰) پس از اینها، مطالعه تطور زبان و ادب پارسی در قرون پیش و پس از فردوسی؛ تاریخ عصر شاعر و نیز پژوهش در منابع دوران اسلامی و حماسه‌های پس از فردوسی می‌تواند راهگشای

ما در مطالعات شاهنامه‌شناسی باشد^(۱۱) برآستی که ما در این مورد؛ هنوز، اندر خم یک کوچه‌ایم.

درباره فردوسی

نام شاعر، به احتمال زیاد، منصور بن حسن است که ما او را با کنیه‌اش یعنی «ابوالقاسم» و نیز با تخلص شعری‌اش «فردوسی» می‌شناسیم، زادروز او در ۳۲۹ ه. ق در ده‌باز از نواحی طابریان توس بوده است و سال خاموشی او را در سال ۴۱۰ ه. ق در هشتادویک سالگی نوشته‌اند. شاهنامه را در حدود سی سال کار مداوم و طاقت‌فرسا به انجام رسانید. (در ۲۵ اسفندماه ۴۰۰ ه. ق) دکتر دوستخواه می‌نویسد:

«نظم»ی که او می‌گوید از آن «کاخ بلند» را «پی افکنده» است. وزن و بحر عروضی شاهنامه نیست، بلکه ساختار عظیمی است که از یک معماری آگاهانه و استادانه و از یک نظام اندیشگی و هنری والا و ارزشهای انسانی همیشگی و جهان‌شمول (همه‌زمانی و همه‌مکانی) مایه گرفته است و این کار کارستان و آفرینش شگفت و یگانه کنش ساده‌ای نیست که از هر عروض‌شناس و ناظم متذوقی ساخته باشد. (۱۲)

درباره رستم و سهراب

رستم و سهراب^(۱۳) از شورانگیزترین و مشهورترین بخشهای شاهنامه است که همواره مورد توجه قرار گرفته است. کتاب حاضر براساس تصحیح استاد مینوی به نگارش در آمده است. در این کتاب داستان به ۳۶ بخش با توجه به حوادث و برجستگیهای آن تقسیم شده است. همه گفتنیها در ابتدای هر بخش با عنوان «درآمد» گفته شده است. روش کار چنین بوده است که همه ابیات با توجه به نکات اساطیری، شگردهای داستانی و فنون زیبایی‌شناختی و معانی و مفاهیم واژگانی، شرح، نقد و تفسیر شده است. نگارنده اعتراف می‌کند که از شرحها و تفسیرهای استادان دانشمند بهره‌ها برده است. اما در این کتاب تفاوت‌های عمده‌ای با دیگر

آثار مشابه وجود دارد. دکتر احمد ابومحبوب در نقدی که بر آن نوشته چنین آورده است: «خوشبختانه تحلیلها و نظریات مطرح شده در متن کتاب به جذابیت آن می‌افزاید و تفاوتی عمده نسبت به آثار مشابه دارد... که در آن برخی اشتباهات در برداشتهای دیگر محققان تصحیح شده و در موارد لازم، نظرات دیگران نیز ذکر شده است، گاه غلط‌خوانیهایی نیز در خوانش برخی موجود بوده که اغلب اصلاح شده است. نکته قابل ذکر این است که در این اثر به تکنیکهای زیبایی‌شناختی ابیات نیز علاوه بر آرایه‌ها توجه شده است اما از آن مهمتر بیان برخی اسطوره‌های مربوط به داستان و تحلیل آنهاست که برای مطالعه شاهنامه بسیار ضروری است... به هر حال از این گونه نکات و مطالب تحقیقی و علمی متعدد در کتاب یافت می‌شود... این نتیجه نگرش به کل داستان و توجه دقیق به جزئیات کامل داستان است.» (۱۴)

سرانجام آنچه می‌توانم بیفزایم سپاس و تجدید ارادت است به همه استادان فرهیخته‌ای که به معرفی و نقد کتاب پرداختند و کاستیهای آن را بازگو کردند. امیدوارم بتوانم هر چه زودتر کتاب شالوده و بنیان اساطیری رستم و سهراب را که پاسخگوی برخی از کاستیهای این کتاب است به چاپ برسانم. (۱۵)

در پایان، شایان ذکر است که جز در چهار کتاب ذیل که همواره مورد توجه نگارنده بوده است و استفاده از آنها را با علائم اختصاری آورده‌ام در بقیه موارد - همه جا - در پانویس نام کتاب را ذکر کرده‌ام. نام آن چهار کتاب چنین است: رستم و سهراب به تصحیح استاد مجتبی مینوی با علامت «استاد مینوی»؛ غمنامه رستم و سهراب به کوشش دکتر شعار و دکتر انوری با علامت «غم»؛ سوکنامه سهراب از دکتر یاحقی با علامت «سوک» و حماسه رستم و سهراب دکتر رستگار فسایی با علامت «حم» آمده است.

غلام‌محمد طاهری مبارکه

پاییز ۱۳۸۵

پی‌نوشت

۱. شاهنامه اگرچه حماسه‌ای ملی است اما با توجه به درونمایه انسانی و ارزشهای والایش مورد توجه بسیاری از پژوهندگان جهان قرار گرفته است. برخی از شرق‌شناسان شاهنامه را یک سرگردن بالاتر از ایللیاد و اودیسه هومر؛ مهابهاراتا و... دیگر حماسه‌های جهان شمرده‌اند. برای آگاهی از پژوهشهای شاهنامه و ترجمه‌های آن در زبانهای دیگر. ر. ک.: افشار، ایرج؛ کتاب‌شناسی فردوسی؛ انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۵.
۲. از جمله کوششهایی که درباره اقوام ایرانی انجام شده است، به غیر از اثر ارزشمند پیرنیا با نام تاریخ ایران باستان می‌توان به دو کتاب زیر مراجعه کرد:
بهزادی، رقیه؛ آریاها و نآریاها؛ تهران، طهوری، ۱۳۸۲. و نیز: قومهای کهن؛ تهران، طهوری، ۱۳۷۳.
۳. موسس خورناسی یا موسی خورنی تاریخدان نامدار ارمنی حدود پنج قرن قبل از فردوسی از رستم سکچیک نام می‌برد. ر. ک.: خورناسی، موسس؛ تاریخ ارمنستان؛ ایروان، دانشگاه ایروان، ۱۹۸۴. تاریخ و اسطوره‌های بااهمیت سکاکها هنوز برای ما روشن نیست. اطلاعات ما از آنان غیر از سنگ‌نبشته‌های هخامنشیان، و تاریخ هرودت، پراکنده و مجهول است. در پژوهشهای اخیر گاه آنان را «آشوبگران صحراگرد» می‌نامند که با تورانیان یکسان شمرده شده‌اند. گاه آنان را از تأثیرگذارترین اقوام در تمدن و فرهنگ جهان باستان می‌دانند. گاه آنان را از چندین شاخه و نژاد می‌نامند. به هر حال از پژوهشهای مستقل درباره آنها، از جمله کتاب زیر می‌توان نام برد:
سکاکها؛ تألیف تامارا تالبوت رایس، ترجمه دکتر رقیه بهزادی؛ تهران، یزدان، ۱۳۷۰.
۴. در این باره می‌توان به کتابهای زیر مراجعه کرد:
پژوهشی در اساطیر ایران و دیگر کتابها و مقاله‌های شادروان دکتر مهرداد بهار، مانند: سخنی چند درباره شاهنامه، اسطوره و تاریخ، از اوستا تا شاهنامه و... نیز کتاب ارزشمند شناخت اساطیر ایران نوشته جان هینلز، ترجمه دکتر ژاله آموزگار و احمد تفضلی و دیگر منابعی که در آخر همین کتاب نام برده‌ام.
۵. ر. ک.: کویاجی (ج. ک.)؛ آیینها و افسانه‌های ایران و چین باستان؛ ترجمه جلیل دوستخواه؛ سازمان کتابهای جیبی، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۲. و نیز بنیادهای اسطوره و حماسه ایران؛ گزارش و ویرایش جلیل دوستخواه؛ تهران، آگاه، ۱۳۸۳، از همین نویسنده.
۶. ر. ک.: پیردومناش، ژان؛ دویسن‌نگری کیهانی در اساطیر ایران؛ ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور؛ روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۱۳ آذر ۱۳۸۱.

۷. ر.ک.: کوئن، فرانش؛ آیین پر رمز و راز میترا؛ ترجمه و پژوهش هاشم رضی؛ تهران، بهجت، ۱۳۸۰. و ورمارزن، مارتین؛ آیین میترا؛ ترجمه بزرگ نادرزاد؛ تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۳.
۸. پژوهشگران شاهنامه درباره «زمان» نظرات جالبی ارائه کرده‌اند برجسته‌ترین این دیدگاهها از شادروان شاهرخ مسکوب در کتاب ارزشمند *ارمغان مور است* و نیز شادروان محمد مختاری در کتاب *اسطوره زال*، از انتشارات توس که «زروان» را «زال» می‌داند. و نیز ر.ک.: طاهری مبارکه، غلام‌محمد؛ *اسطوره زال*؛ مجله هستی، دوره دوم، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۰.
۹. ر.ک.: دوستخواه، جلیل؛ *اوستا*؛ تهران، مروارید، ۱۳۷۰. و نیز: *حماسه ایران، یادمانی از فراسوی هزاره‌ها*؛ آگاه، ۱۳۸۰ از همین نویسنده.
۱۰. ر.ک.: اکبرزاده، داریوش؛ *شاهنامه و زبان پهلوی*؛ تهران، پازینه، ۱۳۷۹.
۱۱. برای آشنایی با حماسه‌های پس از فردوسی ر.ک.: صفا، ذبیح‌الله؛ *حماسه‌سرایی در ایران*؛ تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۳.
۱۲. دوستخواه، جلیل؛ *شناخت‌نامه فردوسی و شاهنامه*؛ از مجموعه از ایران چه می‌دانم؟، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۴.
۱۳. برخی از شرق‌شناسان به دلیل آنچه پرننگتر بودن نقش سهراب می‌پندارند نام او را مقدم بر رستم ذکر کرده‌اند، از جمله ر.ک.: ماتيو، آرنولد؛ *سهراب و رستم*؛ ترجمه منوچهر امیری؛ تهران، حیدری، ۱۳۳۳.
۱۴. ابو‌محبوب، احمد؛ *نگاهی به رستم و سهراب*؛ کتاب ماه، ادبیات و فلسفه، شماره ۴۰، بهمن ۱۳۷۹، ص ۲۵-۲۷ نقد دیگری از این کتاب در مجله فوق به نشانی زیر است: آیدانلو، سجاد؛ *دگرها شنیدستی این هم شنو*، کتاب ماه، ادبیات و فلسفه، شماره ۴۹، آبان ۱۳۸۰، ص ۸۴-۹۱.
۱۵. من در آن کتاب درباره «دیو» بودن ته‌مینه و «نطفه‌گیری» از دشمن جهت انتقال قدرت و نابودی آن و نیز بازسازی چند آیین از روزگار «میترائیسم» و «سکاها» مفصل سخن گفته‌ام.